

# بررسی تلمیح در اشعار سید علی موسوی گرمارودی و محمدعلی معلم دامغانی

زهرا ابادری\*

دکتر وجیهه ترکمانی\*\*

## چکیده

موسوی گرمارودی و معلم دامغانی تلمیحات را با انگیزه‌هایی چون روایت داستان‌های دینی و تاریخی، سیاسی و یا بیان افکار و عقاید خود به کار گرفته‌اند و بر آن بوده‌اند تا شعر را به عنوان منبع آگاهی برای مردم زمانه ارائه دهند. یافته‌های این تحقیق که به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و به روش تحقیق توصیفی انجام یافته است، بیانگر آن است که در صد استفاده موسوی گرمارودی در اشعارش از تلمیحات بیشتر بوده است؛ موسوی گرمارودی ۵۶/۴۳ درصد و معلم دامغانی ۴۳/۵۷ درصد از تلمیحات مختلف را در شعر خود به کار گرفته‌اند. از کل تلمیحات به کار برده شده در اشعار دو شاعر، ۷۷/۶۱ درصد را تلمیحات دینی، ۲/۴ درصد تلمیحات قرآنی، ۹/۲۴ درصد تلمیحات ادبی، ۶/۸۴ درصد تلمیحات تاریخی، ۳/۹۱ درصد تلمیحات اساطیری تشکیل می‌دهند که تلمیحات دینی بیشترین درصد کاربرد را در اشعار دو شاعر داشته‌اند. همچنین تلمیح به حضرت موسی(ع) با ۹/۰۷ درصد در اشعار موسوی گرمارودی و تلمیح به حضرت محمد(ص) با ۱۲/۲۱ درصد در اشعار معلم دامغانی بیشترین تکرار و بسامد کاربرد را نسبت به سایر شخصیت‌ها و یا عناوین داشته است.

## واژه‌های کلیدی

تلمیح، شعر، شعر معاصر، بسامد تلمیح

## ۱- مقدمه

سید علی موسوی گرمارودی و محمدعلی معلم دامغانی جزو شاعرانی هستند که عقاید مذهبی خود را با استناد به حوادث و روایت‌ها در قالب شعر بیان نموده‌اند؛ یکی از صنایعی که در اشعار این دو شاعر کاربرد زیادی دارد، تلمیح است. تلمیح در لغت «نگاه کردن به چیزی، اشاره کردن به سوی چیزی» است. (معین، ج ۱، ذیل واژه) در اصطلاح آن است که شاعر بر تبیین و اثبات سخن خود اشاراتی ضمنی به آیات و احادیث یا داستان‌های معروف، بکند. (ر.ک: فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۴۴) گفتنی است برخی از متقدمان تلمیح را به تقدیم میم بر لام، «تلمیح» گفته‌اند، یعنی آن که شاعر مثلی ملیح، در کلام خود ایراد کند. کاشفی سبزواری از جمله نویسندگانی است که به هر دو وجه این کلمه اشاره نموده است. (ر.ک: کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۲۱) به نظر می‌رسد تعریف دقیق از اصطلاح تلمیح همان است که جرجانی در تعریفات خود ارائه کرده است: «التَّلْمِيحُ، هُوَ أَنْ يُشَارَ فِي فَحْوَى الْكَلَامِ إِلَى آيَةٍ أَوْ خَبَرٍ أَوْ قِصَّةٍ أَوْ شِعْرِ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُذَكَّرَ صَرِيحًا» (جرجانی، تعریفات، ۵۸، به نقل از حلبی، ۱۳۸۵: ۵۵) تلمیح، شامل هر نوع اشاره مذهبی، اساطیری و تاریخی و... است و خواننده باید آگاهی کاملی از کل داستان، واقعه و آیات

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، چالوس، ایران.

\*\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران.

داشته باشد تا تلمیح را در شعر و یا بیتی درک نماید.

در بین شاعران معاصر، موسوی گرمارودی و معلم دامغانی از جمله شاعرانی هستند که شعر خود را با وقایع سیاسی، اجتماعی زمان خود آمیخته‌اند و با اهداف منطبق بر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و حوادث روز، اشعار زیبایی سروده‌اند. چیزی که در اشعار این دو شاعر بزرگ و نام‌آور مشهود است، استفاده از تلمیح است که اغلب جهت عمق بخشیدن به محتوای شعری و یا گریز از آشکارگویی مسایل دینی و سیاسی از این آرایه ادبی استفاده کرده‌اند.

سید علی موسوی گرمارودی در سی‌ویک فروردین ماه ۱۳۲۰ در قم به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند. در سال ۱۳۴۵ به دانشکده حقوق دانشگاه تهران راه یافت. (برقی، ۱۳۷۳: ج ۵: ۳۰۳۰-۳۰۲۹)

«گرمارودی دارای شعری منسجم و روان است، وی به خاطر دارا بودن اسلوبی مستقل که از علایم آن وجود زبانی فعال در کنار محتوایی برونگرا است، تا کنون استقلال زبان خود را حفظ کرده است. در شعر او بیشتر محتوا جریان دارد تا کلمه و تصویر.» (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۶)

«علی معلم دامغانی در سال ۱۳۳۰ در دامغان به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت؛ اما پس از دو سال آن را ناتمام رها کرد. سپس در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به تحصیل مشغول شد ولی به دلیل فعالیت‌های سیاسی و مبارزات انقلابی، این رشته را نیز به پایان نبرد. وی پس از انقلاب به کسب مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی نایل آمد.» (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۲۵) او از جمله شاعرانی است که زبان و سبک شعری خاص خود را دارد.

انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن دفاع مقدس موضوعاتی هستند که مرکز فکری و عقیدتی شعر گرمارودی و معلم به شمار می‌روند.

«اوضاع نابسامان و آشفتنه جامعه، در کنار نارضایتی عمومی، پس از عوامل سیاسی چون اشغال ایران توسط متفقین در سال ۱۳۲۰ و کودتای سال ۱۳۴۲، باعث شده بود که شعر کم‌تر شاعری از حوادث سیاسی و اجتماعی عصر خود، تاثیر نپذیرفته باشد.» (درستی، ۱۳۸۱: ۵۵) پس از بروز ناآرامی‌ها در سال‌های پایانی رژیم پهلوی و خواست اغلب مردم مبنی بر تغییر حکومت، شاعران و نویسندگان نیز خود را با افکار جامعه و مردم هم‌سو کرده و به تبلیغ و نشر خواسته‌های مردم و ضرورت‌های اجتماع خویش پرداختند و شعر خود را به عنصر شور و شعار مجهز نمودند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شاعران و نویسندگان زیادی پا به عرصه هنر نهادند و از آن جا که اغلب آنان جوان و دارای شور انقلابی بودند، توانستند در مدت بسیار کوتاهی خلاقیت ادبی خود را بروز داده و پایه‌های ادبیات انقلاب اسلامی را محکم نمایند. به جرأت می‌توان گفت که به لحاظ محتوا، شعر انقلاب اسلامی بسیار پر محتوا و جذاب است و تنها نیاز به اصلاح بیشتر فرم و تصویر دارد. (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۱)

بعد از انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و دفاع مقدس رزمندگان بود که مرکزیت فکری و محتوایی شعر معاصر به حساب می‌آمد.

شایان ذکر است ادبیات منظوم انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، آمیزه‌ای از وطن‌پرستی و آرمان‌گرایی است که در قالب کلمات موزون و آهنگین رخ نموده است. این نوع ادبیات از یک سو ریشه در فرهنگ ناب ایرانی و دلاورمردی‌های ایرانیان شجاع دارد و

از دیگر سو پیرو فرهنگ اسلامی است.

در حقیقت اشعار سیاسی و اجتماعی موسوی گرمارودی و معلم دامغانی، کوشش‌های بی‌وقفه این دو شاعر در راه عینیت بخشیدن به آرمان‌های اسلامی و ایرانی است. از همین رو محور اصلی بیشتر اشعار این دو شاعر را مفاهیمی چون یأس و امید، شکست و پیروزی، ظلم و جهاد و شهادت و جانبازی شکل می‌دهد. هدف دو شاعر مذکور از به کارگیری انواع تلمیحات و شخصیت‌های دینی، تاریخی و اساطیری، این بوده است که ظلم و ستم حاکم بر جامعه خود را به صورت کنایی از وضع زمان خود بیان نمایند. در حقیقت این تلمیحات که گاه ریشه در تاریخ دارند و گاه مذهب، نمادی هستند از شخصیت‌های برجسته معاصر که برای بیان اندیشه شاعر و شکوه‌هایش به کار گرفته شده‌اند.

## ۲- بحث و بررسی

یکی از امکاناتی که شاعر می‌تواند نقش خیال‌انگیزی در شعر را به کمال برساند تلمیح است. همان گونه که ذکر شد، علی موسوی گرمارودی و محمد علی معلم دو شاعر معاصر هستند که در آثار خود از تلمیحات، بهره فراوانی گرفته‌اند و همین عامل نیز موجب غنای تصاویر تلمیحی اشعار آن‌ها شده است. دایره تلمیحات در اشعار این دو شاعر به طور کلی شش حوزه عمده را در بر می‌گیرد که عبارتند از: ۱- تلمیحات دینی، ۲- تلمیحات قرآنی، ۳- تلمیحات ادبی، ۴- تلمیحات تاریخی، ۵- تلمیحات اساطیری، ۶- تلمیحات مرکزی.

### ۲-۱- تلمیحات دینی

یکی از ویژگی‌های اساسی در اشعار موسوی گرمارودی و معلم دامغانی استفاده نسبتاً گسترده از تلمیحات دینی و مذهبی است. تلمیحات دینی با ۷۷/۶۱ درصد کاربرد به طور تقریبی بیش از نیمی از تلمیحات دیگر را در اشعار این دو شاعر در بر می‌گیرند. میزان کاربرد این تلمیح در شعر موسوی ۷۷/۴ درصد و در اشعار معلم ۷۷/۸۸ درصد بوده است.

شایان ذکر است که تعداد تلمیحات مذهبی در اشعار موسوی و در قسمت‌های مختلف مجموعه شعرهای او، پراکنده بوده است. در این بین تلمیح به داستان حضرت موسی با ۹/۰۷ درصد، حضرت محمد (ص) با ۶/۷۶ درصد، امام حسین (ع) با ۶/۰۵ درصد و امام علی (ع) با ۳/۹۲ درصد بیشترین بسامد تکرار و کاربرد را داشته‌اند که تلمیحات مرکزی اشعار موسوی گرمارودی را تشکیل می‌دهند.

در اشعار معلم دامغانی بیشترین تعداد و درصد اشاره متعلق به شخصیت‌های دینی چون حضرت محمد (ص) با ۱۲/۲۱ درصد، موسی (ع) با ۸/۲۹ درصد و یوسف (ع) با ۳/۲۲ درصد بوده است.

تلمیح به داستان حضرت موسی از جمله تلمیحات پرکاربرد در شعر موسوی گرمارودی و علی معلم بوده است. گفتنی است، لفظ موسی مرکب است که به زبان عبری مو به معنی آب و سی به معنی درخت است زیرا که او را میان آب و درخت یافتند. موسی در مصر به اعتبار پسرخواندگی فرعون محترم بود. «وقتی در شهر گردش می‌کرد، ملاحظه کرد که دو مرد نزاع می‌کنند و اتفاقاً قبطی (مصری)، سبطی (بنی اسرائیل) را کتک می‌زد. موسی به کمک سبطی شتافت و مشتت بر قبطی زد که در حال درگذشت... و چون به این قتل شناخته شده بود مجبور شد از شهر بگریزد و بدین ترتیب بود که به مدین و به نزد شعیب رسید و صفورا دختر شعیب را به زنی گرفت... و پس از ده سال با زن و گوسفندان خود روی به مصر نهاد.» (شمیسا، ۱۳۶۶: ۵۵۶-۵۵۵)

چوپان غم مانده شبانگاه به صحرا      من موسویم لیک امید قیسی نیست

(موسوی گرمارودی، برآشفتن گیسوی تاک، ۱۳۸۹: ۲۴)

شاعر در بیت فوق ضمن آن که به جستجوی موسی (ع) برای یافتن قیس (شعله آتش) اشاره دارد خود را موسی می‌داند و  
امیدی به پیدا کردن شعله گرمابخشی ندارد.

خضم خود را به کام دریا بُرد      اُمّتِ عشق را به صحرا بُرد  
عزم خود را، عصای موسای کرد      سیحر فرعونیان، هویدا کرد

(موسوی گرمارودی، خواب ارغوانی ۱۳۸۹: ۵۶)

مقصود شاعر در بیت فوق در اشاره به داستان معجزه شکافتن دریا توسط حضرت موسی، بیان قیام امام خمینی است که شاعر  
معتقد است عزم و اراده امام چون عصای موسی (ع) معجزه‌گر شد و دشمنان خود را به قعر دریای شکست کشاند.  
از جمله داستان‌های حضرت موسی که استاد موسوی گرمارودی به آن اشاره داشته است، ماجرای دیدن آتشی در کوه طور  
بوده است که به واسطه صحبت کردن حضرت موسی (ع) با خداوند طی این اتفاق او را کلیم نامیدند:

داد در پای عشق سر از کف      بوسه بر دست او نهاد شرف  
شد چو موسای قَلزم رادی      بُرد جان را به «طور» آزادی

(همان: ۵۵)

بیت فوق در مدح شهید سلیمان خاطر از مصر سروده شده است که جان را در راه مبارزه با صهیونیسم نهاد و شاعر او را به  
موسوی (ع) تشبیه کرده است. شایان ذکر است که طور، نام کوهی است در صحرای سینا که همان وادی ایمن می‌باشد.  
استاد علی معلم نیز در اشعار خود به روایت موسی (ع) در طور سینا اشاره دارد:

شب بود و شب بو بود و شب قول و غزل بود      موسی به آیین شُبّانان درجَبَل بود  
آنان که صهبا را ز مینا می‌شناسند      «حوریب» را بر طور سینا می‌شناسند...  
...پوشید لـختی دیـده و بـگشاد      از نور و نیران چون توان دیدن درختی؟!

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۰)

«حوریب» در بیت بالا، نام راهی است در کوه طور.

مردی شکوه شوکت عیسی شنیده      موسی صفت بر سینه سینا تنیده

(همان: ۱۶۵)

رود به دریا کف کرشمه گشاده      بر یک مظهر، ده و دو چشمه نهاده  
بر لب هر چشمه هفت سنگ روانه      محور اشباع آب تا به کرانه

(همان: ۸۹)

در ابیات فوق ده و دو چشمه اشاره به پدید آمدن همان دوازده چشمه، به معجزه حضرت موسی دارد.  
بنی اسرائیل چهل سال در تیه ماندند و همه روزه برایشان مانده از من و سلوی نازل می‌شد. در همین بیابان بود که موسی،  
عصای خود را بر سنگی زد و از آن دوازده چشمه روان شد و بنی اسرائیل نوشیدند. (شمیسا، ۱۳۶۶: ۵۶۲-۵۶۱)

یکی از پرکاربردترین تلمیحات دینی در شعر دو شاعر، تلمیح به شخصیت پیامبر اکرم (ص) است که در زیر بدان اشاره

می‌شود:

طنین نور در افکنده در رگ شب گنج	غریو بانگ یهود منجم از تکر زیج
که «هان بشارت موسی، روایت تبشیر	هلا تلاوت رؤیا حلاوت تعبیر
همان نشاط طلوع از دم دوباره صبح	هلا ستاره احمد، هلا ستاره صبح!
به تیغ سرخ سحر رخنه در شب داجی	طلوع آتش جاوید کوکب ناجی!»

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۸۶)

در توضیح ابیات فوق باید گفت که شگفتی‌هایی در هنگام تولد حضرت رسول (ص) رخ داده است که در تفسیرها و قصه‌ها از آن یاد کرده‌اند، از جمله چون رسول از مادرزاده شد. «ایوان کسری شکافت و چند کنگره آن فرو ریخت و آتش آتشکده فارس خاموش شد؛ دریاچه ساوه خشک گردید، بت‌های بت‌خانه مکه سرنگون شد؛ نوری از وجود آن حضرت به سوی آسمان بلند شد که شعاع آن فرسنگ‌ها را روشن کرد.» (سبحانی، ۱۳۷۱: ۵۹)

موسوی گرمارودی در شعرش پیامبر (ص) را با نام خاتم می‌خواند. در حقیقت این اشاره او به خاتمیت نبوت محمد (ص)

است:

از «اطیع‌الله» کرد آغاز خاتم در مدینه	کی رود زین ره برون فرزند آدم در مدینه
تاج توحید است و تخت سنت و فرمان رهبر	کام مسلم می‌شود زین‌سان مسلم در مدینه

(معلم دامغانی، شرحه شرحه‌ست صدا در باد، ۱۳۸۹: ۹۰)

قابل ذکر است در شعر شاعران این دوره پیامبر (ص) نماد مبارزه با ظلم و ستم و برافرازنده رایت عدل و مساوات است. در واقع این طرز بیان با هدف بازنگری در الگوهای دینی و احیای ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد. به همین سبب است که تلمیح به داستان پیامبر اکرم (ص) از جمله پرکاربردترین تلمیحات دینی است.

از دیگر تلمیحات پرکاربرد در شعر موسوی تلمیح به حوادث جانسوز زندگی امام حسین (ع) و امام علی (ع) است.

قیام امام حسین (ع) و یارانش در وادی کربلا و شهادت مظلومانه‌شان همواره جزو موضوعاتی بوده است که شاعران ایرانی در

اشعارشان بدان پرداخته‌اند.

موسوی گرمارودی تلمیحات زیادی به داستان زندگانی این امام بزرگ داشته است. او در کتابی به نام «آغاز رو شنایی آیین»

ترکیب‌بندهای زیبایی برای امام حسین (ع) و واقعه عاشورا سروده است که در زیر به ابیاتی از آن اشاره می‌شود:

اما چرا فرات، میان دو سوی نقش	آن گونه می‌رود که ز لب تشنگان جداست
خورشید را سپید و درخشان کشیده است	انگار چهر قدسی سالار کربلاست
خورشید در میانه درخشان و گرد او	هفتاد و یک سپیده تابان و آشناست

(موسوی گرمارودی، آغاز روشنایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

در بیت‌های فوق خورشید استعاره از امام حسین (ع) است و مقصود از هفتاد و یک سپیده تابان، هفتاد و یک یار امام حسین

در واقعه عاشورا است.

موسوی گرمارودی در ابیات زیر نیز امام حسین (ع) را خطاب قرار داده و حماسه او در کربلا گل آفرینش دانسته است:

یک عمر هم‌چو ابر به سکوت گریستیم      یک لحظه با حماسه تو سر نکرده‌ایم  
کسارِ حماسه تو گل آفرینش      تا رسد تخیز خون تو سر مشقِ بینش است

(همان: ۱۲۲)

اشاره به زندگانی امام علی نیز از جمله تلمیحات پرکاربرد در شعر موسوی است. گاهی موسوی گرمارودی، نام امام علی (ع) را با لقبشان مانند حیدر کرار در شعر آورده است:

تا بر کنند خبیرِ بعثی ز بیخ و بن      در جهان‌نشان بدم نفس پاکِ حیدری

(موسوی گرمارودی، خواب ارغوانی، ۱۳۸۹: ۸۰)

بیت فوق در دایره شعرهای دفاع مقدس است که موسوی گرمارودی، این استاد سخن معاصر تبحر خود را در سرودن آن نشان داده است. او این بیت را خطاب به سربازان جبهه حق علیه باطل سروده است. از جانفشانی و ایثار آنان سخن گفته است. «خبیر» در بیت بالا مقصود همان سنگرهای عراقی است که بسیجیان و سربازان ایران با نفس پاک حیدری (امام علی) شجاعت آن را می‌یابند تا خبیر بعثی را از بیخ و بن نابود کنند.

علی موسوی در جایی دیگر سروده است:

آه، ای چاه، ای تو دمساز علی      ای دلت، گنجینه راز علی  
گو، به من، گر هیچ می‌داری به یاد      زان ودیعت‌ها که در نردت نهاد  
من نمی‌گویم که کشف راز کن      گوشه‌ای زان حرف‌ها را باز کن

(موسوی گرمارودی، تا محراب آن دو ابرو، ۱۳۸۹: ۴۵)

شاعر در بیت‌های فوق از چاه می‌خواهد تا راز علی (ع) را برایش بازگو کند. «حضرت علی هنگامی که دچار حزن فراوان می‌گشت سر را در چاهی فرو می‌برد و راز و اندوه خویش را بیان می‌فرمود و آب چاه خون می‌شد.» (شمیسا، ۱۳۶۶: ۴۰۶)  
اشاره به حضرت یوسف مانند زیبایی یوسف، برادران یوسف، در چاه افتادن یوسف، یعقوب و بوی پیراهن یوسف و... در شعر معلم بسیار دیده شده است که چند مورد آن ذکر می‌شود:

آویخته در کام چه دلو هوی را      تا خود چه کام و آرزو باشد قضا را  
یوسف به رنگ آب روشن در سبو ریخت      در چاهش او جا داد و در دلوش هم او ریخت

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

در بیت فوق شاعر یوسف را به آب روشنی تشبیه کرده است که وقتی او را در چاه انداختند گویی آب را در سبو ریختند.

معلم در شعری با مضمون عاشقانه، بوی پیراهن یوسف را نشاط‌آور عاشق ذکر کرده است:

تازه می‌شود جانم از هوای کوی دوست      همچو دیده یعقوب از نشاط پیراهن

(همان: ۲۳۹)

## ۲-۲- تلمیحات قرآنی

اشارات قرآنی شامل قصه‌های پیامبران، روایت‌های گوناگون و پند و اندرزهایی است که در قرآن کریم خطاب به رسول اکرم (ص) و مؤمنان آورده شده است و از جمله تلمیحاتی هستند که در اشعار موسوی گرمارودی و معلم دامغانی انعکاس یافته‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

«بخوان! به نام پرورنده ایزدت، کو آفریننده ست...» / و او می‌خواند اما لحن آوایش، / به دیگر گونه آهنگ است / صدا گویی خدا رنگ است / و او این گونه می‌خواند: / «بخوان! بنام پرورنده ایزدت کو آفریننده است...» / (موسوی گرمارودی، پیوند زیتون بر شاخه ترنج، ۱۳۸۹: ۲۳)

شعر فوق اشاره دارد به آیه ۱ سوره علق: «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق، آیه ۱). ترجمه: «بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید.»

این سوره در آغاز دستور قرائت به پیامبر (ص) می‌دهد. سپس از آفرینش این انسان با عظمت از یک قطره خون بی‌ارزش سخن می‌گوید. این آیه، نخستین قسمت از قرآن است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲۷: ۱۵۰) هم‌هم را می‌گویم: / با پای افزاری از شکیب / برخیز / فرعون مردنی ست / آلیس الصُّبْحُ بَقْرِبِ؟ / (موسوی گرمارودی، پیوند زیتون بر شاخه ترنج، ۱۳۸۹: ۹۴)

شعر بالا به روایت حضرت موسی و برادرش هارون که همراه و یاور او بود و همچنین پادشاه ستمگر زمان او اشاره دارد. «فرعون» یک تلمیح کنایی است و در واقع ستمگر معاصر «شاه» نیز از آن معنی می‌گردد. این شعر اشاره دارد به آیه:

«قَالُوا يَا لَوُطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ... إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» (هود، آیه ۸۱)

ترجمه: «گفتند ای لوط! ما فرشتگان پروردگار توایم؛ آن هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهد کرد؛

موعد آن‌ها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟!»

علی معلم در شعری سروده است:

مگر فسانه مردان ذوفنون بشناسی      ز بام عرش «علی فُلْکِ تُحْمَلُونَ» بشناسی

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۰۰)

بیت فوق اشاره دارد به آیه «وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ» (مؤمنون، آیه ۲۲)؛ ترجمه: «و بر آن‌ها و بر کشتی‌ها سوار می‌شوید.» معلم، شعر خود را به منبع نور و الهام و سرمایه علم و دانش بشر متصل کرده و از سرچشمه‌های جو شان و فیاض آن بهره گرفته است. جدای استفاده از قصص قرآنی، وی به شیوه معمول شاعران، به تلویح و با تصریح به آیات الهی اشاره می‌کند:

قسم به عصر که پیوسته پوی آواره‌ست      که بر بساط زمین آدمی زیانکاره‌ست

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۶)

بیت فوق به سوره مبارکه «عصر» اشاره دارد که از مثنوی «قسم به فجر قسم، صبح پشت دروازه است» استاد علی معلم است. تمام این مثنوی ترجمه‌ای زیبا از این سوره شریف قرآن مجید است.

## ۳-۴- تلمیحات ادبی

یکی از تلمیحات ادبی که در شعر دو شاعر دیده می‌شود، تلمیح به داستان عشق فرهاد به شیرین است؛ فرهاد شغل سنگ‌تراشی

داشت و «در عشق خود به شیرین رقیبی را سر راه خود به نام خسرو داشت. او سخت فریفته و عاشق شیرین بوده و خسرو با هدف این که او را از سر راه بردارد به او پیشنهاد کرد که چنانچه کوه بیستون را بکند شیرین را به او وا می‌گذارد. فرهاد با تیشه خود به کندن کوه مشغول می‌گردد. کوهکنی و تیشه او مشهور است.

خسرو برای از میان بردن فرهاد پیرزنی را مأمور می‌کند تا خبر مرگ شیرین را به دروغ به فرهاد برساند، فرهاد به محض شنیدن این خبر خود را از کوه می‌افکند و می‌میرد» (شمیسا، ۱۳۶۶: ۴۴۳-۴۴۲)

موسوی گرمارودی و علی معلم هر کدام یک مورد تلمیح به این شخصیت‌ها داشته‌اند:

بیش از ستاره‌ای نتوان بود، در شبی      آن هم ببین ز دور فلک، واژگون گذشت

آید صدای تیشه فرهادمان به گوش      شب‌بیز دشمنان مگر از بیستون گذشت؟

(موسوی گرمارودی، برآشتن گیسوی تاک، ۱۳۸۹: ۸۰)

شب‌بیز در شعر فوق نام اسبی است که خسرو پرویز به شیرین داده؛ گویند شیرین عاشق فرهاد نبود و عشق فرهاد به شیرین یک طرفه بوده است.

استاد معلم دامغانی نیز اشارتی به این داستان عاشقانه داشته است:

زیتی برزتش از عشوه شیرین به چمیدن      چینی از جبهه فرهاد بر آن تا نرسیدن

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۱۴)

تلمیح به «حافظ» از جمله تلمیحات ادبی است که این دو شاعر به ویژه موسوی گرمارودی به آن توجه داشته‌اند:

در عشق، پیر مکیده شعر، حافظ است      هر کس گرفت ساغر از آن پیر، نوش بود

(موسوی گرمارودی، برآشتن گیسوی تاک، ۱۳۸۹: ۱۰)

موسوی در بیت فوق حافظ را پیر مکیده شعر می‌نامد.

خدایگان غزل، حافظا به ما بنگر!      تو ای ز دشت نظر چون غزال، تیز گذر

غزل تو را چو بهار است روی گونه گل      و یا چو بوسه مهر است بر جبین سحر

(موسوی گرمارودی، سفر به فطرت گل‌سنگ، ۱۳۸۹: ۴۵)

با توجه به اشعار فوق، می‌توان گفت که موسوی، حافظ را مُرشد و پیر میکده شعر خود می‌داند؛ این امر را می‌توان در شعر معلم نیز مشاهده کرد. او نیز خود را مُرید حافظ رند و نظر باز ذکر می‌کند:

مرید حافظ رندم که اهل دل، همّت      طلب ز تربت پیران پاکباز کنند

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۲۰۶)

سعدی از دیگر شاعرانی است که موسوی گرمارودی و علی معلم در اشعارشان بدان اشاره داشته‌اند:

... صبا به تربت سعدی پیام ما برسان      که سر برآرد و از حال ما، خبر گیرد

نشان قدرت اسلام، کو به کو نگر      سراغ ذلت صلّام، در به در گیرد

(موسوی گرمارودی، خواب ارغوانی، ۱۳۸۹: ۸۹)

در اشعار فوق «موسوی» به دفاع مقدس و جنگ تحمیلی اشاره دارد و از صبا می‌خواهد تا به سعدی پیامی برساند تا به قدرت امروز اسلام در ایران امروز و شکست صلّام بنگرد.



معلم نیز در اشعارش به بی‌تی از سعدی اشاره داشته است:

تو جبر خاطر مسکین به شکر قوت کن  
ببین به زخم من و بیش از این مروّت کن

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۳۹)

در واقع، معلم در بیت بالا اشاره‌ای به این بیت سعدی داشته است:

به روزگارِ سلامت شکسته‌گان در یاب  
که جبرِ خاطرِ مسکین بلا بگرداند

(سعدی، ۱۳۸۴: ۹۳)

## ۴-۲- تلمیحات تاریخی

تلمیحات تاریخی، تلمیحاتی هستند که به یک واقعه یا مکان تاریخی اشاره دارند، هر دو شاعر از این نوع تلمیح با بسامد تقریباً بالایی در اشعار خود بهره گرفته‌اند:

چنگیز هم خون‌خوارتر از لحظه‌ها نیست / زمان، سیری ناپذیر است / میان شهادت و شقاوت، / فاصله / به درازای تفنگی ست /  
تا در کدام سوی آن ایستاده باشی! / (موسوی گرمارودی، پیوند زیتون بر شاخه ترنج، ۱۳۸۹: ۱۰۰)

شعر بالا علاوه بر اشاره به چنگیز خان مغول بیانگر عقیده شاعر مبنی بر تقسیم انسان به دو قسم نیک و بد است و شهادت و شقاوت را در دو سوی یک تفنگ می‌نهد؛ سوی شلیک‌کننده (شقاوت)، سوی دیگر مورد اصابت تیر (شهادت). قابل ذکر است که چنگیز یکی از شخصیت‌های تاریخی بود که قبایل مغول را با هم متحد ساخت و به ایران حمله کرد و در این یورش بسیاری از شهرهای ایران را با خاک یکسان کرد.

از دیگر تلمیحات که در بخش تلمیحات تاریخی پرکاربردترین است، اشاره به امام خمینی (ره) است:

اگر نه این دم روح‌الأمّهی که احیا کرد  
روان مرده دلان، کو دم مسیحا بود

(موسوی گرمارودی، سفر به فطرت گل‌سنگ، ۱۳۸۹: ۱۲۴)

در بیت فوق موسوی نفس حق آیت‌الله سید روح‌الله خمینی را معجزه‌کننده می‌داند که دل مرده دلانی که در ظلم و ستم شاه مظلوم واقع شدند را دوباره شاد و زنده می‌گرداند.

در بیت زیر نیز شاعر، امام خمینی را تنها رهبر راستین ایران می‌داند که اگر هرکس به جز او بود، ملت ایران به سر منزل مقصود نمی‌رسید:

ره به منزل زین غمان هرگز نمی‌بردیم ما  
گر که بود این کاروان را جز خمینی، راهبر

(موسوی گرمارودی، خواب ارغوانی، ۱۳۸۹: ۹۳)

معلم دامغانی نیز تلمیحات زیادی به امام خمینی (ره) داشته است که در زیر به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ای تو قلاووزِ روزگار، خمینی!  
غیبتیِ عصرِ آشکار، خمینی!

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۹۴)

«معلم» در بیت زیر امام خمینی را مورد خطاب قرار می‌دهد و از شور جهاد ایشان متعجب می‌گردد؛ در حالی که رهبران و حاکمان جهان بازار کساد دارند، بازار جهاد و عشق به امام بسیار رونق دارد:

یا خمینی عجب از شور جهادی که تو داری  
مردم از رونق بازار کساد که تو داری

(همان: ۱۱۵)

تا تو را دل دشمن غافل باشد غیر رسوایی ام از گریه چه حاصل باشد...  
...دور سقراط و شان است، خلاق، تهمت به که بندند، معلم اگر عاقل باشد!

(همان: ۲۱۲)

در غزل فوق که غزلی عاشقانه است و میرا از مضامین اجتماعی و سیاسی، معلم به سقراط اشاره دارد. او «حکیمی یونانی بود که از ۴۶۸ تا ۳۹۹ قبل از میلاد زندگی می‌گرد». (نفیسی، ج ۳، ۱۳۴۳: ۱۹۰۸) در آن زمان، بیشتر تلاش فلاسفه و متفکران درباره جهان و چیستی آن بود؛ اما سقراط پا را فراتر از آن گذاشت و بر این اعتقاد بود که برای فهم جهان، باید ابتدا انسان را بشناسیم.

#### ۵-۴. تلمیحات اساطیری

«کدام قومی است که در شعر وی آن چه نزد روان‌شناسان «ناخودآگاه جمعی» نام دارد، به صورت اساطیر انعکاس نیافته باشد. در مورد شعر فارسی این نکته هم قابل یادآوری است که در کنار نام قهرمانان قومی، نام انبیای قرآن کریم و اشخاص قصه‌های مربوط به تفاسیر و قصص هم مجال انعکاس دارد و چون شعر فارسی، شعر ایران اسلامی است؛ آن جا که ناخودآگاه جمعی در آن، به صورت اسطوره‌ها انعکاس پیدا می‌کند و به آن چه قومی است، محدود نمی‌ماند و جزئی از مجموعه یک میراث مشترک دیرینه است که تصویرها، رمزها و مضمون‌های خاص شعر فارسی را هویت ممتاز می‌بخشد.» (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۲۰۰) موسوی گرمارودی و علی معلم، اساطیر را نماد رویدادها و شخصیت‌ها قرار می‌دهند. «اسطوره‌ها و افسانه‌ها با ظرفیت شاعرانه و سمبلیک و تأویل‌پذیری که دارند، می‌توانند در هر دوره‌ای بر حسب شرایط و اوضاع خاص اجتماعی بار معنایی جدید را بپذیرند و از طریق تأویلی جدید، سمبل بعضی افکار و حوادث نو در زمینه رخ دادهای سیاسی و اجتماعی جامعه قرار گیرند.» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۴۵)

یکی از تلمیحات اساطیری در شعر موسوی و معلم، تلمیح به «دیو» است؛ واژه دیو که در اوستایی دئو (Daeva) و هندی باستان، دیوا (Deva) و پهلوی (Dev) خوانده می‌شود، اصلاً به معنی خداست و در قدیم به گروهی از پروردگاران آریایی اطلاق می‌شده است. در شاهنامه فردوسی دیوان نقش عمده‌ای به صورت‌ها و مفاهیم مختلف بر عهده دارند و تقریباً هیأت و منش دیوان کتب مذهبی را دارند. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۷۲-۳۷۱)

دیو در اشعار موسوی گرمارودی منشأ شر و بدی است و گاه در لباس و هیأت انسان در شعر به تصویر کشیده می‌شود:

با که باید گفت باری، کز میان خصم ما دیو یا اهریمن است اما به هیأت چون بشر  
چون تو می‌خفتی کجا موشک تو را می‌کشت، کسی به چشم هیچ مردی بود نامردی هنر

(موسوی گرمارودی، خواب ارغوانی، ۱۳۸۹: ۹۲)

در بیت فوق «موسوی» دیو را به مانند اهریمن دانسته و مقصود او همان صدام بعثی است که با موشک باران ایران، مردمان را به کام مرگ می‌برد.

معلم نیز به این موجود خیالی اشاره داشته است:

اگر نه دیو خرامید در فُشَل چونید و گرنه دیو مرامید با دغل چونید

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۱۸۴)

از دیگر تلمیحات اسطوره‌ای در شعر دو شاعر، تلمیح به سیمرغ است:

سیمرغ (عنقا، سیرنگ) واژه‌ای پهلوی است که «مرغ سین» معنی می‌دهد. سیمرغ در شاهنامه و اوستا و روایات پهلوی، موجودی خارق‌العاده و شگفت است. پره‌های گسترده‌اش به ابر فراخی می‌ماند که از آب کوهساران لبریز است و در پرواز خود پهنای کوه را در بر می‌گیرد. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۵۰۵-۵۰۴) «در روایت‌های اسطوره‌ای این مرغ از صفات انسانی سخن گفتن، چاره‌گری و طبابت سخن رفته و این ویژگی در مورد پرندگان دیگر در اساطیر هند، چین و سرزمین‌های دیگر نیز دیده می‌شود.» (هینلز، ترجمه باجلان فرخی، ۱۳۸۳: ۴۳۹)

هم چو سیمرغ افق پرواز، در آفاق علم قاف تا قافش معانی زیر بال و شهپر است

(موسوی گرمارودی، سفر به فطرت گل‌سنگ، ۱۳۸۹: ۱۸)

«موسوی» بیت فوق را در شعری برای شیخ محمد بن نعمان معروف سروده است و او را همچو سیمرغ در قاف معانی دانسته است.

علی معلم نیز به این پرنده اشاره داشته است:

سفر به قاره ما ند به قاف حکمت قرآن چنان که قصه سیمرغ در فسانه دستان

(معلم دامغانی، ۱۳۸۷: ۹۸)

## ۲-۶- تلمیحات مرکزی

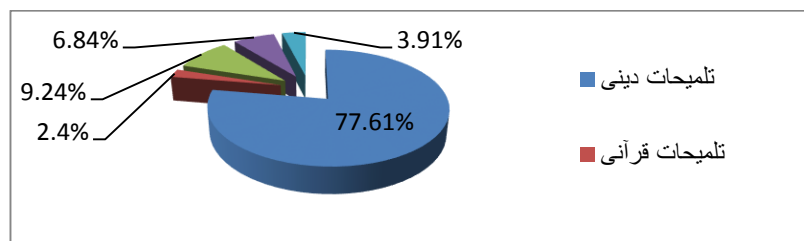
گاهی در شعر با تلمیحی مواجه می‌شویم که بارها و بارها در آثار یک شاعر تکرار شده است. به این تلمیح «تلمیح مرکزی» گفته می‌شود.

به عبارتی دیگر، تلمیح مرکزی، تلمیحی است که «دایم در آثار یک شاعر دور می‌زند و تکرار می‌شود و یا بسامد تکرار آن تلمیح در بین تلمیحات دیگرش کاملاً چشم‌گیر است.» (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۶) در دایره تلمیحات این جستار، بیشترین بسامد تلمیحات مختص به تلمیحات دینی و مذهبی است که به جرأت می‌توان گفت نیمی از تلمیحات اشعار این دو شاعر را به خود اختصاص داده است.

معلم دامغانی، بیشتر تمرکز خود را بر روی بخش پیامبران معطوف کرده است که این موضوع، بیان‌کننده اندیشه نبوی و مذهبی خاص این شاعر است و تلمیحات موسوی گرمارودی بیشتر در بخش امامان متمرکز بوده است. البته او این تلمیحات را به حوادث روزگار خود پیوند زده و از امامان برای پیروزی مردم علیه جور و ستم یاری طلبیده است.

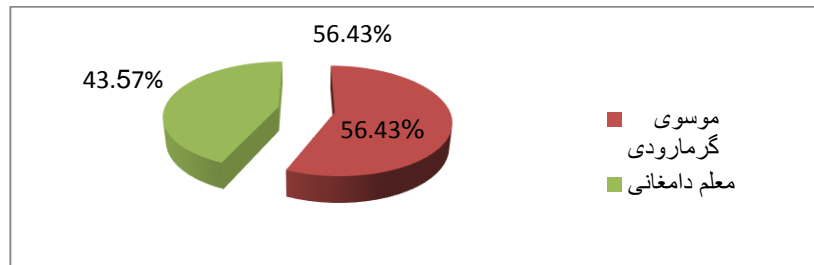
قابل ذکر است که از دیدگاه روان‌شناسی، تلمیحات مرکزی با ناخودآگاه شاعر در ارتباط هستند و به طور غیر مستقیم علاقه‌ها، نفرت‌ها، خواسته‌ها و ناخواسته‌های او را برای ما آشکار می‌کنند. (همان: ۲۸)

بیشترین تلمیحات دو شاعر بر روی تلمیحات دینی متمرکز شده است که این امر به وضوح در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار ۱-۲: نمودار دایره‌ای تلمیحات کل پژوهش

همان‌گونه که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، از کل تلمیحات اشعار دو شاعر، ۷۷/۶۱ درصد را تلمیحات دینی، ۲/۴ درصد تلمیحات قرآنی، ۲۴/۹ درصد تلمیحات ادبی، ۶/۸۴ درصد تلمیحات تاریخی، ۳/۹۱ درصد تلمیحات اساطیری تشکیل می‌دهند که تلمیحات دینی بیشترین درصد کاربرد را در اشعار دو شاعر (موسوی گرمارودی و معلم دامغانی) داشته‌اند. قابل ذکر است که تلمیحات یافت شده در اشعار موسوی گرمارودی بیشتر از علی معلم بوده است:

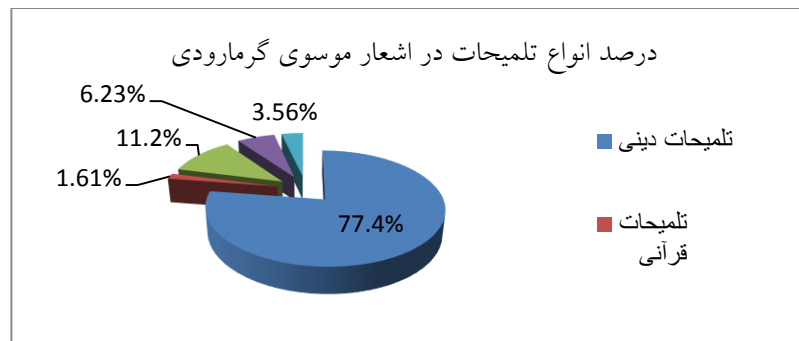


نمودار ۲-۲: نمودار دایره‌ای مقایسه تلمیحات دو شاعر

همان‌طور که در نمودار فوق مشخص است، موسوی گرمارودی ۵۶/۴۳ درصد و معلم دامغانی ۴۳/۵۷ درصد از تلمیحات کل پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند که درصد استفاده موسوی گرمارودی از تلمیحات بیشتر بوده است.

۲-۶-۱- تلمیحات مرکزی در اشعار علی موسوی گرمارودی

در اشعار موسوی گرمارودی تلمیحات دینی، بیشترین بسامد را داشته‌اند که شاعر این تلمیحات را به وقایع سیاسی و اجتماعی عصر خود مرتبط ساخته است. این امر نشان دهنده اندیشه مذهبی شاعر و هم‌چنین ارتباط قوی و محکم دین و سیاست از نظر شاعر می‌باشد.



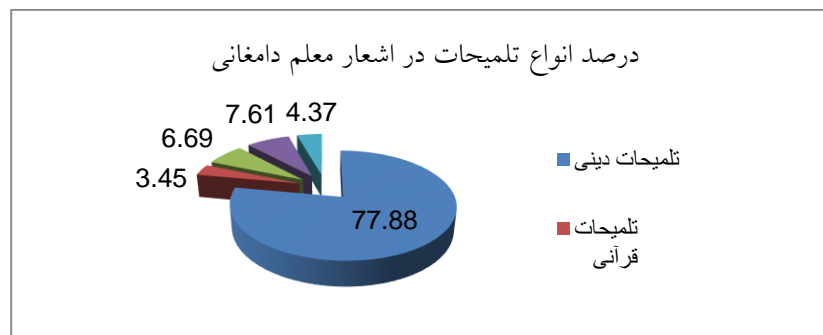
نمودار ۲-۳: نمودار دایره‌ای انواع تلمیحات در اشعار موسوی گرمارودی

همان‌طور که در نمودار فوق مشاهده می‌گردد در اشعار موسوی گرمارودی به ترتیب تلمیحات دینی با ۷۷/۴ درصد، تلمیحات ادبی با ۱۱/۲ درصد و تلمیحات تاریخی با ۶/۲۳ درصد بیشترین بسامد کاربرد را داشته‌اند و تلمیحات اساطیری با ۳/۵۶ درصد و تلمیحات قرآنی با ۱/۶۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. شایان ذکر است که تعداد تلمیحات مذهبی در اشعار موسوی و در قسمت‌های مختلف، پراکنده بوده است و لیکن اشاره به شخصیت‌هایی چون حضرت موسی (ع)، حضرت محمد (ص)، امام حسین (ع) و امام علی (ع) بیشترین بسامد کاربرد و تکرار را نسبت به باقی تلمیحات در حوزه‌های مختلف داشته‌اند. به گونه‌ای

که به نسبت باقی تلمیحات به کار برده شده در اشعار موسوی گرمارودی، تلمیح به حضرت موسی با ۹/۰۷ درصد، حضرت محمد (ص) با ۶/۷۶ درصد، امام حسین (ع) با ۶/۰۵ درصد و امام علی (ع) با ۳/۹۲ درصد بیشترین بسامد تکرار و کاربرد را داشته‌اند که تلمیحات مرکزی اشعار موسوی گرمارودی را تشکیل می‌دهند.

## ۲-۶-۲- تلمیحات مرکزی در اشعار محمدعلی معلم دامغانی

در اشعار معلم دامغانی، تلمیحات دینی بیشترین بسامد تکرار و کاربرد را داشته‌اند.



نمودار ۵-۲: نمودار دایره‌ای انواع تلمیحات در اشعار معلم دامغانی

همان‌طور که در نمودار فوق مشخص است تلمیحات دینی با ۷۷/۸۸ درصد بیشترین بسامد کاربرد را دارند و بعد از آن به ترتیب، تلمیحات تاریخی با ۷/۶۱ درصد، تلمیحات ادبی با ۶/۶۹ درصد، تلمیحات اساطیری با ۴/۳۷ درصد و تلمیحات قرآنی با ۳/۴۵ درصد قرار دارند.

در اشعار معلم دامغانی بیشترین تعداد و درصد اشاره متعلق به شخصیت‌های دینی و سیاسی هم‌چون حضرت محمد (ص)، موسی (ع)، یوسف (ع) و امام خمینی (ره) بوده است؛ به گونه‌ای که به نسبت باقی تلمیحات به کار برده شده در اشعار معلم دامغانی، تلمیح به حضرت محمد (ص) با ۱۲/۲۱ درصد، موسی (ع) با ۸/۲۹ درصد، یوسف (ع) با ۳/۲۲ درصد و امام خمینی (ره) با ۴/۸۵ درصد بیشترین بسامد تکرار و کاربرد را داشته‌اند که تلمیحات مرکزی اشعار معلم دامغانی را تشکیل می‌دهند.

## نتیجه

کاربرد نسبتاً وسیع انواع تلمیحات در اشعار موسوی گرمارودی و معلم دامغانی، ضمن آن که نشان‌دهنده وسعت آگاهی و پشتوانه عظیم فرهنگی این شاعران است، همواره لذت ادبی بیشتری را برای خواننده به همراه دارد.

تأثیری که موسوی گرمارودی و علی معلم در شعر معاصر به جا گذاشته‌اند، باعث شده تا اشعارشان که در واقع شناسنامه آنان است، به وادی فراموشی سپرده نشود. آن‌ها، شوربختی‌های مردم زمانشان را در قبل از انقلاب اسلامی با عمق وجودشان درک کرده و پا در رکاب مبارزه علنی با کاربرد واژگان و تصاویر شعری نهادند. این دو شاعر در اشعار خود، بارها استعمارگران و بیدادگرانی هم‌چون فرعون و نمرود را که جام بلورینشان از شراب غرور و جهالت لبریز بود به پستی کشانیدند. جان‌فشانی و تلاش‌های این دو شاعر تا به آن جا است که از تلمیح برای تبدیل شعر خود به شعر مقاومت استفاده کردند و با کاربرد آن قصد داشتند تا کاخ طاغوت و صدام را براندازند و به جایش شهری آرمانی بسازند، مملو از اعتقادات و فرهنگ و انسان‌دوستی.

سهم قابل ملاحظه‌ای که تلمیحات مذهبی در اشعار علی معلم به خود اختصاص داده، خود‌گویای این مطلب است که این شاعر با استفاده از اشارات نبوی سعی داشته تا پیامبران را به گونه‌ای دیگر در شعر بنمایاند؛ به گونه‌ای که بیشتر بیان‌گر تصویر صبر و استقامت این پیامبران و قیام و انقلاب آن‌ها در مقابل طاغوتیان باشد.

موسوی گرمارودی نیز با سرودن چکامه‌های پایداری و آیینی یکی از بنیان‌گذاران شعر انقلاب شناخته شده است. تلمیحات او در واقع از زیباترین پایداری‌ها و بازتاب فریاد مردمی است که در مقابل بیدادها و بی‌عدالتی‌ها و زشت‌خوترین واپس‌گرایی‌ها از مرز کهکشان‌ها گذشته‌اند. او با ورود مفهوم تعهد سیاسی و تعهد انقلابی در شعر، تلمیح را از حد تعریف واژگانی آن گذرانده است و با تصویرسازی از انواع شخصیت‌ها و حوادث با پیوند به شخصیت‌های معاصر (انقلاب اسلامی و دفاع مقدس) به آن (تلمیح) مفهوم والاتری عطا کرده است.

شایان ذکر است که تلمیحات موسوی گرمارودی بیشتر از علی معلم دامغانی بوده است. موسوی گرمارودی ۵۶/۴۳ درصد و معلم دامغانی ۴۳/۵۷ درصد از تلمیحات کل پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند که درصد استفاده موسوی گرمارودی از تلمیحات بیشتر بوده است.

تلمیحات دینی در اشعار دو شاعر با ۷۷/۶۱ درصد نسبت به بخش‌های دیگر بیشترین بسامد کاربرد را داشته است و این تلمیحات در اشعار موسوی گرمارودی با ۷۷/۴ درصد و در اشعار معلم دامغانی با ۷۷/۸۸ درصد نسبت به سایر بخش‌ها بیشترین کاربرد و تکرار را داشته‌اند.

به نسبت باقی تلمیحات به کار برده شده در اشعار موسوی گرمارودی، تلمیح به حضرت موسی با ۹/۰۷ درصد، حضرت محمد (ص) با ۶/۷۶ درصد، امام حسین (ع) با ۶/۰۵ درصد و امام علی (ع) با ۳/۹۲ درصد بیشترین بسامد تکرار و کاربرد را داشته‌اند که تلمیحات مرکزی اشعار موسوی گرمارودی را تشکیل می‌دهند.

در اشعار معلم دامغانی، تلمیح به حضرت محمد (ص) با ۱۲/۲۱ درصد، موسی (ع) با ۸/۲۹ درصد، یوسف (ع) با ۳/۲۲ درصد و امام خمینی (ره) با ۴/۸۵ درصد بیشترین بسامد تکرار و کاربرد را داشته‌اند که تلمیحات مرکزی اشعار معلم دامغانی را تشکیل می‌دهند.



## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- برقی، محمد باقر. سخنوران نامی معاصر ایران. قم: نشر خرم، چاپ اول، جلد ۵، ۱۳۷۳.
- ۳- بیگی حبیب‌آبادی، پرویز. حماسه‌های همیشه. تهران: انتشارات فرهنگ گستر و صریر، ۱۳۸۲.
- ۴- پورنامداریان، تقی. سفر در مه. تهران: زمستان، ۱۳۷۴.
- ۵- حلبی، علی‌اصغر. تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی. تهران: نشر اساطیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- ۶- درستی، احمد. شعر سیاسی دوره پهلوی. تهران: مرکز ستاد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۷- زرین‌کوب، عبدالحسین. سیری در شعر فارسی. تهران: سخن، ۱۳۸۴.
- ۸- سبحانی، جعفر. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۹- ———. فروغ ابدیت. قم: مرکز دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۰- سعدی، مصلح‌الدین عبدالله. گلستان. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۸۴.
- ۱۱- شمیسا، سیروس. فرهنگ تلمیحات. تهران: فردوس، ۱۳۶۶.
- ۱۲- فشارکی، محمد. نقد بدیع. تهران: نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۱۳- کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین واعظ. بدایع‌الافکار فی صنایع‌الاشعار. ویرایش میرجلال‌الدین کزازی. تهران: نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۱۴- محمدزاده، مرضیه. حسین بن علی، امام شهیدا. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۱۵- محمدی، محمدحسین. فرهنگ تلمیحات شعر معاصر. تهران: میترا، ۱۳۷۴.
- ۱۶- مری، هال. امپراتوری مغول. ترجمه نادر میرسعیدی. تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۰.
- ۱۷- معلم دامغانی، علی. رجعت سرخ ستاره. تهران: سوره مهر، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
- ۱۸- ———، ———. شرحه شرحه‌ست صدا در باد. تهران: سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۱۹- معین، محمد. فرهنگ فارسی معین. جلد اول. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب اسلامی، جلد ۲۷، ۱۳۸۱.
- ۲۱- موسوی گرمارودی، علی. پیوند زیتون بر شاخه ترنج. تهران: سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۲۲- ———، ———. خواب ارغوانی (شعر دفاع مقدس). تهران: سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۲۳- ———، ———. بر آشفتن گیسوی تاک (مجموعه غزل). تهران: سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۲۴- ———، ———. سفر به فطرت گل‌سنگ (قطعه‌ها و چکامه‌ها). تهران: سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۲۵- ———، ———. آغاز روشنایی آیین (ترکیب‌بند عاشورایی در پانزده بند). تهران: سوره مهر، ۱۳۹۰.
- ۲۶- ———، ———. تا محراب آن دو ابرو. تهران: سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۲۷- میرجعفری، اکبر. حرفی از جنس زمان. تهران: انتشارات قو، ۱۳۷۶.
- ۲۸- نفیسی، علی‌اکبر (ناظم‌الاطباء). فرهنگ نفیسی. انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۴۳.
- ۲۹- هینلز، جان راسل. تاریخ اساطیر ایران. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
- ۳۰- یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر. تهران: سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

## مقالات

- ۱- شریفیان، مهدی؛ نظری، نجمه؛ جعفری نیا، صغری. «تجلی حماسه و عرفان عاشورایی در ادبیات انقلاب اسلامی»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۹۰.